

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ الْأَيْمَانِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (اسراء-۱)

قال أبو عبد الله بن سلام: يا محمد، أخبرني أين وسط الدنيا. قال: بيت المقدس. قال: و لم ذلك؟ قال: لأن فيها المحشر و المنشر، و منه ارتفع العرش، و فيه الصراط و الميزان. (تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، جلد ۸، ص ۸۸)

از ابو عبدالله بن سلام می گوید ای محمد (ص) وسط دنیا کجاست پیامبر فرمود بیت المقدس. پرسید چرا چنین است؟ زیرا بیت المقدس محشر و محل برانگیخته شدن [مردم] و جایی است که عرش از آن ارتفاع یافته است و راه و میزان عمل در آنجاست»

بیت المقدس سرزمینی است که اولین قبله مسلمانان، دومین مسجد اسلام و سومین حرم شریف (بعد از مکه و مدینه) در آن قرار دارند و پروردگار متعال آن را با لیله الاسرای پیامبر اکرم (ص) ویژگی خاصی بخشید.

رابطه مسلمانان با قدس شریف که امروز ۵۵ سال از اشغال آن توسط رژیم غاصب صهیونیستی می گذرد، در اصل رابطه ای مبتنی بر قرآن، اندیشه اسلامی و سنت نبوی است. قدس و مسجد الاقصی برای مسلمانان جهان از ابتدا دو نقطه بسیار مهم بود و بخشی از تمدن و میراث فرهنگی مسلمانان و همچنین نقطه وحدت میان ملت های عربی و اسلامی در شرق و غرب جهان محسوب می شود.

بزرگداشت قدس، یک فرهنگ است؛ فرهنگ حمایت از همه مظلومان عالم. روز قدس، بزرگداشت و پاسداشت مقاومت و ایثار و پایداری است. روز قدس برای شیعیان نشان از پاسداشت فرهنگ مهدویت و زیستن انتظار موعود است. روز قدس، فرهنگ انتظارپویا و راستین و انتظار ظلمستیز است.

اما اصل ماجرای فلسطین چیست و چرا امروز اکت اسلام باید فریاد دادخواهی و ظلمستیزی سر برآورد؟ آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در خطبه های نماز جمعه دهم دیماه ۱۳۷۸ به این پرسش پاسخ داده اند که گزیده ای از بیانات ایشان برای دانستن صورت مسأله اشغال قدس شریف به این شرح است:

اصل ماجرای فلسطین چیست؟ اصل ماجرا این است که یک عده از یهودیان متنفد در دنیا به فکر ایجاد یک کشور مستقل برای یهودی ها افتادند. از فکر این ها دولت انگلیس استفاده کرد و خواست مشکل خود را حل کند. البته آن ها قبلاً به فکر بودند به اوگاندا بروند و آنجا را کشور خودشان قرار دهند. مدتی به فکر افتادند به طرابلس، مرکز کشور لیبی بروند؛ لذا رفتند با ایتالیایی ها که آن وقت طرابلس در دست آن ها بود صحبت کردند؛ اما ایتالیایی ها به این ها جواب رد دادند؛ بالاخره با انگلیسی ها کنار آمدند.

انگلیسی ها آن وقت در خاورمیانه اغراض بسیار مهم استعماری داشتند؛ دیدند خوب است که این ها به این منطقه بیایند. اول به عنوان یک اقلیت وارد شوند، بعد به تدریج توسعه پیدا کنند و گوشه ای راه، آن هم گوشه حساسی را بگیرند چون کشور فلسطین در نقطه حساسی قرار دارد و دولت تشکیل دهند و جزو متحدین انگلیس باشند و مانع شوند از اینکه دنیای اسلام به خصوص

دنیای عرب در آن منطقه اتحادی به وجود آورد. درست است که اگر دیگران هوشیار باشند، دشمن می‌تواند اتحاد ایجاد کند؛ اما دشمنی که از بیرون آن‌طور حمایت می‌شود، با ترفندهای جاسوسی و با روش‌های گوناگون می‌تواند اختلاف ایجاد کند که همین کار را هم کرد: به یکی نزدیک شود، یکی را بزند، یکی را بکوبد، با یکی سختی کند.

بنابراین، در درجه‌ی اوّل کمک کشور انگلیس و بعضی کشورهای غربی دیگر بود. بعد این‌ها به تدریج از انگلیس جدا و به امریکا متصل شدند. امریکا هم این‌ها را تا امروز زیر بال خودش گرفته است. این‌ها به این معنا کشوری به وجود آوردند و آمدند کشور فلسطین را تصرف کردند.

تصرفشان هم این‌طوری بود: اوّل با جنگ نیامدند؛ اوّل با حيله آمدند، رفتند زمین‌های بزرگ فلسطین را که زارعان و کشاورزان عرب روی آن‌ها کار می‌کردند و خیلی هم سرسبز و آباد بود، با قیمت‌های چند برابر قیمت اصلی، از صاحبان و مالکان اصلی این زمین‌های بزرگ که در اروپا و امریکا بودند خریدند؛ آن‌ها هم از خدا خواستند و زمینها را به این یهودیها فروختند. البته دلال‌هایی هم داشتند که نقل کرده‌اند یکی از دلال‌هایشان همین «سید ضیاء» معروف، شریک رضا خان در کودتای ۱۲۹۹ بود که از اینجا که به فلسطین رفت، آنجا دلال خرید زمین از مسلمانان برای یهودیها و اسرائیلیها شد! زمینها را خریدند؛ زمینها که ملک این‌ها شد، با روشهای واقعاً بسیار خشن و همراه با سبقت و سنگدلی، بتدریج شروع به اخراج زارعان از این زمینها کردند. در جایی می‌رفتند، می‌زدند، می‌کشتند و در همین هنگام افکار عمومی دنیا را هم با دروغ و فریب به طرف خودشان جلب می‌کردند.

این تسلط غاصبانه صهیونیست‌ها بر فلسطین سه رکن داشت: یک رکنش عبارت از قساوت با عربها بود. برخوردشان با صاحبان اصلی، با قساوت و با سختی و خشونت شدید همراه بود. با این‌ها هیچ‌گونه مدارا نمی‌کردند. رکن دوم، دروغ به افکار عمومی دنیا بود. این دروغ به افکار عمومی دنیا، یکی از آن حرف‌های عجیب است. این قدر این‌ها به وسیله رسانه‌های صهیونیستی که دست یهودی‌ها بود، دروغ گفتند هم قبل از آن و هم بعد از آن، این دروغ‌ها گفته می‌شد که به خاطر همین دروغ‌ها بعضی از سرمایه‌داران یهودی را گرفتند! خیلی‌ها هم دروغ‌های آن‌ها را باور کردند. حتی این نویسنده فیلسوف اجتماعی فرانسوی «ژان پل سارتر» را نیز که خودمان هم در جوانی چندی شیفته‌ی این آدم و امثال او بودیم، فریب دادند. همین «ژان پل سارتر» کتابی نوشته بود که بنده در سی سال قبل آن را خواندم. نوشته بود: «مردمی بی‌سرزمین، سرزمینی بی‌مردم!» یعنی یهودیها مردمی بودند که سرزمینی نداشتند؛ به فلسطین آمدند که سرزمینی بود و مردم نداشت! یعنی چه مردم نداشت؟ یک ملت در آنجا بود و کار می‌کرد. شواهد زیادی هم هست. یک نویسنده‌ی خارجی می‌گوید در سرتاسر سرزمین فلسطین، مزارع گندم مثل دریای سبزی بود که تا چشم کار می‌کرد، دیده می‌شد.

سرزمین بی‌مردم یعنی چه؟! در دنیا این‌طور وانمود کردند که فلسطین یک جای متروکه‌ی مخروبه‌ی بدبختی بود؛ ما آمدیم اینجا را آباد کردیم! دروغ به افکار عمومی! همیشه سعی می‌کردند خودشان را مظلوم جلوه دهند؛ الآن هم همین‌طور است! در این مجلّات امریکایی مثل «تایم» و «نیوزویک» که بنده گاهی به این‌ها مراجعه دارم، اگر کوچک‌ترین حادثه‌ای علیه یک خانواده یهودی اتفاق بیفتد، عکس و تفصیلات و سن کشته شده و مظلومیت بچه‌هایش را بزرگ می‌کنند؛ اما صدها و هزارها مورد قساوت نسبت به جوانان فلسطینی، خانواده‌های فلسطینی، بچه‌های فلسطینی، زن‌های فلسطینی، در داخل فلسطین اشغال شده و در لبنان اتفاق می‌افتد، ولی کمترین اشاره‌ای به آن‌ها نمی‌کنند! رکن سوم هم ساخت و پاخت، مذاکره و به قول خودشان «لابی» است. بنشین با این دولت، با آن شخصیت، با آن سیاستمدار، با آن روشن‌فکر، با آن نویسنده، با آن شاعر، صحبت و ساخت کن!

کار این‌ها تا به حال سه رکن داشته است که توانسته‌اند این کشور را با این فریب و با این خدعه بگیرند. آن وقت قدرت‌های خارجی هم با این‌ها همراه بودند؛ که عمده انگلیس بود. سازمان ملل و قبل از سازمان ملل، جامعه ملل هم که بعد از جنگ

برای به اصطلاح مسائل صلح تشکیل شده بود همیشه از این‌ها حمایت کردند؛ مگر در موارد معدودی. در همان سال ۱۹۴۸، جامعه ملل قطعنامه‌ای صادر نمود و فلسطین را بدون دلیل و بدون علت تقسیم کرد. گفت پنجاه و هفت درصد از سرزمین فلسطین متعلق به یهودی‌هاست؛ در حالی که قبل از آن، در حدود پنج درصد زمینهای فلسطین متعلق به این‌ها بود! آن‌ها هم دولت تشکیل دادند و بعد هم قضایای گوناگون و حمله به روستاها و شهرها و خانه‌ها و حمله به بی‌گناهان اتفاق افتاد. البته دولت‌های عرب هم کوتاهپهایی کردند. چند جنگ اتفاق افتاد.

در جنگ ۱۹۶۷، اسرائیلی‌ها توانستند با کمک امریکا و دولتهای دیگر، مبالغی از زمین‌های مصر و سوریه و اردن را تصرف کنند. بعد، در جنگ ۱۹۷۳ که این‌ها شروع کردند، باز به کمک آن قدرتها توانستند نتیجه جنگ را به نفع خودشان قرار دهند و زمین‌های دیگری را تصرف کنند. هدف اسرائیل، توسعه است. دولت صهیونیستی به سرزمین فلسطین فعلی هم قانع نیست. اول یک وجب جا می‌خواستند، بعد نصف زمین فلسطین را گرفتند، بعد همه سرزمین فلسطین را گرفتند، بعد به کشورهای همسایه‌ی فلسطین مثل اردن و سوریه و مصر تجاوز کردند و زمین‌های آن‌ها را گرفتند.

الان هم هدف اساسی صهیونیزم، ایجاد اسرائیل بزرگ است. ... [در ابتدا] مبارزات مسلحانه از بیرون سرزمین فلسطین بود؛ همین سازمان آزادی‌بخش و بقیه گروهها، مرکزشان در اردن یا در سوریه یا در جاهای دیگر بود. گروه‌هایی را می‌فرستادند و حمله‌ای می‌کردند و ضربه‌ای می‌زدند و عقب می‌کشیدند. در داخل سرزمین فلسطین، سازمان مبارزی شکل نگرفته بود. در داخل سرزمین، مردم مرعوب بودند و نمی‌توانستند هیچ حرکتی بکنند؛ اما بعد از انقلاب اسلامی دو اتفاق مهم افتاد. یکی اینکه نهضت فلسطین که یک نهضت غیر دینی بود به یک نهضت اسلامی تبدیل شد و مقاومت اسلامی به وجود آمد و رنگ اسلامی گرفت. همان مبارزانی هم که از بیرون مبارزه می‌کردند مثل کسانی که از لبنان یا مناطق دیگر به اسرائیل حمله می‌کردند و به آن‌ها ضربه می‌زدند با انگیزه اسلامی، که یک انگیزه بسیار قوی است، وارد میدان شدند. ثانیاً «انتفاضه» به وجود آمد. «انتفاضه»، یعنی قیام و شورش در داخل سرزمین و وطن مغضوب. از این قیام می‌ترسند؛ چون برایشان خیلی مهم است. البته سعی می‌کنند مطلب را آن‌چنان که هست، منعکس نکنند؛ اما مبارزات مردم فلسطین در داخل سرزمین فلسطین، برای رژیم صهیونیستی شکننده و کوبنده است؛ ستون فقراتشان را می‌شکافد. چرا؟ به خاطر اینکه این‌ها به یهودیانی که از سراسر دنیا در این منطقه جمع کرده‌اند، وعده دادند که در اینجا امنیت و راحتی و زندگی خوش هست و گفتند بیاید در اینجا آقایی کنید؛ اما حالا این‌ها طاقت برخورد با این نسل نوحاسته و صاحبان اصلی این سرزمین را که امروز بیدار شده‌اند، ندارند.... امام خمینی (ره) معمار فرزانه انقلاب در همان ابتدای برقراری جمهوری اسلامی با نظر به مسأله قدس به عنوان مسأله مسلمین در سال ۱۳۵۸ طی پیامی آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را روز قدس نام نهادند.

*پیام امام خمینی (ره)

بسم الله الرحمن الرحيم

من طی سالیان دراز، خطراسرائیل غاصب را گوشزد نمودم که این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و به ویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می‌کند. من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم بیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز قدس» انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان فلسطین اعلام نمایند.

از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم. (صحیفه امام، ۱۳۸۹ش، ج ۹، ص ۲۶۷)

*سخنرانی مقام معظم رهبری، شهریور ۱۳۸۸:

روز قدس نشان‌دهنده‌ی صف‌بندی حق و باطل، صف‌بندی عدل در مقابل ظلم است. روز قدس فقط روز فلسطین نیست؛ روز امت اسلامی است. روز فریاد رسای مسلمانان علیه سرطان‌کشنده‌ی صهیونیزم است که به وسیله‌ی دست‌متجاوز اشغالگران، مداخله‌کنندگان، قدرتهای استکباری به جان امت اسلامی افتاده است. ... روز قدس یک روز جهانی است. یک پیام جهانی هم دارد. نشان‌دهنده‌ی این است که امت اسلامی زیر بار ظلم نمی‌رود، ولو این ظلم از پشتیبانی بزرگترین و قدرتمندترین دولت‌های عالم برخوردار باشد.

*بخشی از سخنرانی تاریخی شهید مطهری درباره فلسطین در عاشورای سال ۱۳۴۸ که به دستگیری ایشان انجامید:

والله و بالله ما در برابر این قضیه مسئولیم. به خدا قسم مسئولیت داریم. به خدا قسم ما غافل هستیم. و الله قضیه‌ای که دل پیغمبر اکرم را امروز خون کرده است، این قضیه است. داستانی که دل حسین بن علی را خون کرده، این قضیه است. اگر می‌خواهیم به خودمان ارزش بدهیم، اگر می‌خواهیم به عزاداری حسین بن علی ارزش بدهیم، باید فکر کنیم که اگر حسین بن علی امروز بود و خودش می‌گفت برای من عزاداری کنید، می‌گفت چه شعاری بدهید؟ ... اگر حسین بن علی بود می‌گفت اگر می‌خواهی برای من عزاداری کنی ... شعار امروز تو باید فلسطین باشد. ... شمر هزار و سیصد سال پیش مرد، شمر امروز را بشناس. امروز باید در و دیوار این شهر با شعار فلسطین تکان بخورد.

*از سخنان سردار شهید قاسم سلیمانی:

رحمت و رضوان الهی بر ملت شجاع فلسطین که به واسطه زخم‌های بسیار و محاصره ظالمانه و هجوم وحشیانه دشمنان آن‌هم در مقابل چشمان صدها میلیون مسلمان، غمی عمیق و دردی فروخورده در سینه دارد. سلام بر هنیه مبارز و مقاوم و بر یاران باوفایش که از بلندای عزت در غزه، با ایمان و دیدگانی چشم‌دوخته به طلوع صبح پیروزی، فریاد ایستادگی و حی‌علی‌الجهاد سر می‌دهند. به همه اطمینان دهید که ایران اسلامی، هر میزان هم که فشارها افزایش یابد و محاصره‌اش تنگ‌تر شود، فلسطین این نگین جهان اسلام و قبله اول مسلمانان و محل معراج رسول خدا (ص) را تنها نخواهد گذاشت. هرگز در ازای زرق و برق و لاشه این دنیا، از این واجب دینی یعنی «حمایت از فلسطین» دست نخواهیم کشید. دفاع از فلسطین مصداق واقعی دفاع از اسلام و قرآن است و هر کس ندای شما را بشنود و به یاری شما نشتابد مسلمان نیست.

*آیت الله جوادی آملی در راهپیمایی روز قدس سال ۱۳۹۸:

سلام بر انبیاء و اولیاء که بنیان‌گذاران کعبه و قدس‌اند. سلام بر پیروان همه انبیاء و اولیاء و ائمه علیهم السلام که راهیان راه انبیاء و اولیاء هستند. سلام بر ملت بزرگ ایران اسلامی که پیام آسمانی رهبر انقلاب، امام امت را محترم شمردند. جریان قدس، مخصوصاً جریان نگین معامله قرن، دو خطر و دو غده بدخیم را به همراه دارد؛ یکی ستم به مظلومان و یکی اهانت به مکتب. هم نسبت به فلسطینی‌های آسیب‌دیده ستم روا داشته‌اند و هم نسبت به اصل مکتب، یعنی اسلام اهانت کرده‌اند؛ بر همه ما لازم است که هم حق مسلم فلسطینی‌ها را حفظ کنیم و هم حق مسلم اسلام را که قدس مال اسلام و مسلمین است، محترم بشماریم.

